

مطالعه انتقادی معجم المؤلفات فی الرد علی الشیعه الاثنی عشریه^۱

<https://doi.org/10.22034/pke.2025.21341.1989>

۱- نرگس نجاتی

دانشجوی دکتری، گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب قم، قم، ایران.

Narges Nejati

PhD Student, Department of Shi'a Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

nargesnejati1400@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0005-6980-0094>

۲- محمد غفوری نژاد

دانشیار گروه شیعه‌شناسی، دانشکده شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

Mohammad Ghafoori Nejad

Associate Professor, Department of Shi'a Studies, Faculty of Shi'a Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author)

ghafoori@urd.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0001-6315-1883>

¹. A Critical Study of Mu'jam al-Mu'allafat fi al-Radd 'ala al-Shi'a al-Ithna 'Ashariyyah (A Critical Study of the Lexicon of Authors in Refutation of the Twelver Shi'a)

نوع مقاله: مقاله پژوهشی
دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰
بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۳۱
پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹
انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱

Article Type: Research Article

Received: 31 May 2025

Received in revised form: 21 June 2025

Accepted: 30 June 2025

Available online: 23 August 2025

۳- مریم عزیزیان

استادیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

Maryam Azizian

maryamazizian@um.ac.ir

<https://orcid.org/0009-0002-1297-6388>

Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Human Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

چکیده:

معجم‌نگاری و فهرست‌نویسی یکی از موضوعات مورد علاقه مسلمانان در قرون مختلف بوده است. بررسی و ارزیابی معجم‌نگاری آنان در عصر حاضر می‌تواند میزان رشد علمی این حوزه دانش و نیز، ساخت‌های علمی، اجتماعی و مذهبی زیست‌بوم‌های اسلامی را روشن سازد. متأثر از این ضرورت و هدف، مقاله حاضر یکی از معجم‌های حوزه فرق و ردیه را در فضای آکادمیک عربستان سعودی با عنوان معجم *المؤلفات فی الرد علی الشیعه الاثنی عشریه* مورد سنجش قرار داده است. پرسش این مقاله که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شد، آن بود که مؤلفان معجم *المؤلفات* در ثبت آثار ضد شیعه اثنی عشری در چهار سده نخستین اسلامی، تا چه میزان به روش‌های علمی و فنی در معجم‌نگاری به ویژه در تعریف مفاهیم و عینیت، پایبندی و تعهد داشته‌اند؟

یافته‌ها نشان می‌دهد که این کتاب به دلیل عدم تعریف دقیق مفاهیم کلیدی مانند "شیعه اثنی عشری"، تخطی از مؤلفه‌های روش تحقیق، گنجاندن موضوعات غیرمتجانس با شیعه امامیه و کاستی در استنادها و انتساب‌های نادرست، از معیارهای علمی فاصله دارد. همچنین، بسیاری از آثار ذکر شده، ماهیتاً ردیه بر شیعه نیستند و تحلیل‌های ارائه شده در کتاب به شدت از رویکردهای بی‌طرفانه دور است. این مقاله با نقد نمونه‌هایی از اشتباهات و کاستی‌های این اثر، بر ضرورت بازنگری و اصلاح آن تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی: شیعه اثنی عشریه، ردیه، معجم‌نگاری، معجم *المؤلفات فی الرد علی الشیعه الاثنی عشریه*.

۱. مقدمه

معجم‌نگاری و فهرست‌نویسی یکی از شیوه‌های مرسوم در تألیف و تنظیم آثار در تمدن اسلامی بوده‌است. در این نوع قالب، اطلاعات درباره یک موضوع خاص به شکل غالباً الفبایی دسته‌بندی و ارائه می‌شود (سجادی و عالم‌زاده، ۱۳۸۲: صص ۱۴۳-۱۴۶). در فهرست‌نویسی و معجم‌نگاری موضوعات متنوعی همچون فرهنگ لغات، الفاظ قرآن و... تنظیم می‌شوند. این نوع از کتاب‌ها حکم راهنما را برای خوانندگان دارد و دسترسی آنان را به موضوع مورد مطالعه آسان‌تر می‌کند. تحول، تکامل و نظام‌مندسازی این دانش به ویژه در زمینه فهرست‌نگاری علوم قرآن و حدیث توسط مستشرقان انجام شد (برای اطلاعات بیشتر ن.ک: رحماندوست، ۱۳۹۰: صص ۱۸۷-۱۸۲). یکی دیگر از کارکردهای معجم‌نویسی، تنظیم کتب تألیف‌یافته در موضوعات علمی و حوزه‌های یک دانش خاص همچون علم حدیث، کلام و فرق بوده‌است. با توجه به تنوع آثار تألیفی در هر علم و دانشی به ویژه در دوره معاصر، وجود چنین فهرست‌ها و معجم‌هایی استفاده محققان را در حوزه دانش و هنر آسان‌تر می‌کند (رحماندوست، ۱۳۹۰: ص ۱۹۴؛ برای فهرست‌نویسی ن.ک: مصطفوی سبزواری، ۱۳۸۴: صص ۱۴۸-۱۳۷).

یکی از فهرست‌های برجسته در حوزه‌ی فرق و ردیه‌نگاری، کتاب *معجم المؤلفات فی الرد علی الشیعه الاثنی عشریه* است که این اثر توسط العمران با همکاری الزهرانی در ۱۴۳۴ هـ.ق / ۱۳۹۲ ش / ۲۰۱۳ م تألیف شده و در ریاض به چاپ رسیده‌است. این دو مؤلف جزء اساتید دانشگاهی در مدینه منوره عربستان سعودی هستند. علی بن محمد العمران (تولد: ۱۳۹۰ ق / ۱۹۷۰ م) تألیفات متعددی در حوزه علوم اسلامی دارند.

انگیزه اولیه العمران و الزهرانی برای جمع‌آوری این معجم عدم وجود یک کتاب جامع در خصوص فهرستی از آثار ضد شیعه امامی مذهب بوده که در طول تاریخ اسلام از ابتدای سده یکم تا دوره معاصر به نگارش درآمده‌است. هرچند نویسندگان، اثر خود را رضایت‌بخش خوانده‌اند اما هنوز، آن را کامل ندانسته و تکمیل کتاب در چاپ‌های بعدی را جزء هدف آتی خویش قرار داده‌اند (العمران و الزهرانی، ۱۴۳۴ ق: ۷).

همان‌گونه که ذکر آن رفت، تحول و تکامل فهرست‌نویسی توسط غربیان در علوم و هنرهای مختلف انجام شد (رحماندوست، ۱۳۹۰: ۱۸۳، ۱۸۵). استفاده از ابزارهای نوین در فضای فناوری اطلاعات، از بسیاری از دشواری‌ها و خطاهای احتمالی که پیشینیان در تدوین شیوه معجم‌نویسی و فهرست‌نگاری با آن مواجه بودند، کاسته‌است (برای این دشواری‌ها و خطاها ن.ک: رحماندوست، ۱۳۹۰: ۱۹۳-۱۸۷، ۱۸۲). از این رو، انتظار می‌رود کتاب *معجم المؤلفات* که در دوره معاصر نگاشته شده با روش‌های علمی و فنی این شیوه تألیفی آشنا و آن را اعمال کرده باشد.

با عنایت به این که کتاب حاضر، جزء نخستین معجم‌ها در این موضوع تخصصی به حساب می‌آید، مطالعه و نقد آن از چند جهت، قابل تأمل بوده و ضرورت دارد. نخست آن که تصویری از فضای اندیشگانی بخشی از محققان دانشگاهی در عربستان سعودی را نسبت به جریان شیعه و روش تحقیق علمی ارائه می‌دهد. دیگر آن که، گونه‌ای از تقابل‌های فکری میان مذاهب اسلامی را در قرن ۲۱م به نمایش می‌گذارد. همچنان که میزان تحول معجم‌نگاری و فهرست‌نگاری مسلمانان معاصر را نسبت به گذشتگان روشن می‌سازد. پس، مطالعه و ارزیابی علمی شیوه جمع-آوری و نحوه مواجهه نویسندگان این اثر در گردآوری فهرستی از آثار ضد شیعی حائز اهمیت است.

از این رو، مسئله مقاله حاضر، ارزیابی روشی، سنجش میزان بی‌طرفی و پایبندی مؤلفان معجم المؤلفات به اصول فنی و علمی در معجم‌نگاری به ویژه صحت استناد مطالب کتاب است. البته از آنجا که بازه زمانی این معجم بیش از چهارده قرن را دربر می‌گیرد، امکان ارزیابی کل این فهرست حجیم در یک مقاله وجود ندارد. به منظور سنجش دقیق‌تر، در این پژوهش، تنها فهرست کتب در چهار سده آغازین اسلامی در معجم المؤلفات مورد تحقیق قرار می‌گیرد..

بر این اساس، پرسش این مقاله که به روش توصیفی-تحلیلی انجام می‌شود، آن است که مؤلفان معجم المؤلفات در ثبت آثار ضد شیعه اثنی عشری تا ابتدای قرن پنجم هجری، تا چه میزان به روش‌های علمی و فنی در معجم‌نگاری به ویژه در تعریف مفاهیم و عینیت، پایبندی و تعهد داشته‌اند؟

۱/۱. پیشینه تحقیق:

در خصوص سابقه تحقیق، پژوهشی که فهرست‌نویسی و معجم‌نگاری ضد شیعه و یا به طور اخص، معجم المؤلفات .. را بررسی کرده‌باشد، یافت نشد. مقاله حاضر نخستین تحقیق در این زمینه خواهد بود. در ادامه مقاله، در بخش اول، مقدمه این کتاب از منظر میزان رعایت مبانی علمی سنجیده می‌شود. در بخش دوم مقاله، آثار فهرست‌شده در متن معجم ارزیابی خواهد شد.

بخش اول: ارزیابی مبانی پژوهش در «مقدمه» کتاب معجم المؤلفات

امروزه متأثر از رشد روش تحقیق در رشته‌ها و علوم مختلف، سخن از مبانی پژوهش همچون مسئله، پرسش، روش و در صورت لزوم، مفروضات، تعریف مفاهیم، فایده و ضرورت پژوهش امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. این موارد که حکم نقشه راه و ساختمان را دارند، غالباً در «مقدمه» کتاب گنجانده می‌شوند. در ادامه، این مبانی در

مقدمه اثر معجم المؤلفات ... مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد تا میزان اعتبار علمی اثر سنجیده شود. تأکید می‌شود ارزیابی این بخش به مقدمه معجم محدود است و در بخش دوم، متن کتاب مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲. ابهام در تعریف مفاهیم، عنوان و ناهماهنگی اجزای تحقیق

بخش مهمی از یک متن علمی از جمله معجم نگاری انسجام میان عنوان، مسئله، پرسش‌ها، مفاهیم و سایر اجزای تحقیق است (ملائتی توانی، ۱۳۸۶: صص ۶۳-۸۲؛ فتوحی، ۱۳۹۳: صص ۱۲۹-۱۳۵؛ حضرتی، ۱۳۹۰: صص ۱۰۰-۱۱۳، ۱۳۶-۱۴۹). متأسفانه در این کتاب، این هماهنگی دیده نمی‌شود. عنوان کتاب معجم المؤلفات فی الرد علی الشیعه الاثنی عشریه است. دو مفهوم کلیدی در عنوان یکی «مؤلفات و ردیه‌ها علیه شیعه» و دیگری مفهوم «شیعه اثنی عشری» است. متأسفانه در این معجم، تعریف روشنی از این دو عبارت ارائه نشده، در حالی که موضوع اصلی آن دقیقاً مرتبط با این دو مفهوم کلیدی است. به دلیل همین ابهام، میان اجزای پژوهش انسجام منطقی برقرار نیست. در ادامه، توضیحاتی درباره این دو مفهوم ارائه می‌شود.

۲/۱. مفهوم شیعه اثنی عشری

ابتدا لازم است واژه شیعه و رافضی تعریف شود و سپس، به تعریف مؤلفان این معجم توجه شود. تعریف واژه "شیعه" و نیز، "رافضی" در دو ساحت "لغوی" و "اصطلاحی" قابل بررسی است. شیعه در "لغت" در چند معنی ضبط شده که شامل یک شخص پیرو یا گروه پیروان، حزب یا فرقه و یا اشاعه‌دهندگان یک تفکر یا یک مسئله می‌شود (فرمانیان، ۱۳۸۷: ۲۱؛ ولوی و دشتی، ۱۳۹۰: ۱۱۴). تعاریف شیعه در معنای "اصطلاحی" در طول تاریخ، تغییرات بیشتری را تجربه کرده است. این اصطلاح گاه به فردی اطلاق می‌شد که شخص حضرت علی(ع) را بر همه صحابه مقدم می‌داشت و ایشان و فرزندانشان را شایسته امامت می‌دانست. گاهی نیز، مراد کسی بوده که امام علی(ع) را بر عثمان برتر می‌دانست و یا شخصی بود که علاوه بر باور به برتری علی بن ابی‌طالب(ع) بر صحابه، به وجود نص(حقی یا جلی) در امامت امام علی(ع) و فرزندان ایشان هم معتقد بود (فرمانیان، ۱۳۸۷: ۲۱-۲۳). بنابراین، امامت در نگرش یک فرد شیعی جزئی از اصول دین است و مستقیم در حوزه انتخاب و تصمیم خداوند قرار دارد و به اختیار و نظر مردم واگذار نشده است (امین، ۱۳۷۸: ۱۷۸). بنا بر این تعریف، می‌توان همه شاخه‌های امامیه، کیسانیه، زیدیه، اسماعیلیه و غلات را ذیل واژه شیعه دسته‌بندی

کرد(همان، ۱۷۹). شیعه اثنی عشریه به گروهی اطلاق می‌شود که به دوازده امام بعد از رسول الله(ص) ایمان دارند و امام علی(ع) را طبق نص جانشین پیامبر(ص) می‌دانند(شیخ مفید، ۱۴۱۳: ص ۴۱).

واژه رفض و "رافضی" مانند کلمه شیعه دارای دو تعریف "لغوی" و "اصطلاحی" است. رافضی در "لغت" به شخصی گفته می‌شود که فعل رفض(کنار گذاشتن یا ترک کردن یک شخص یا امری) را نسبت به یک شخص و یا یک گروه انجام دهد. به عبارت دیگر، آن شخص یا آن گروه را ترک کند(غفوری، ۱۳۹۱: ۱۱۴). رافضی در "اصطلاح"، به افرادی اطلاق می‌شد که از شیخین، یا از برخی از صحابه و یا همه صحابه براءت جستند و یا به آنها نگاه منتقدانه داشتند. برخی از رافضیان عملکرد تندتری داشته و حتی به صحابه ناسزا هم می‌گفتند(همان، ۱۱۴، ۱۱۵). پس، رافضی یک معنای واحد نداشته است. این اصطلاح را عموماً مخالفان شیعه در مورد پیروان این مذهب به کار برده‌اند. به عنوان مثال، خطیب بغدادی(م. ۴۲۹ق.) در کتاب الفرق بین الفرق که در مورد فرق اسلامی و اثبات حقانیت مذهب عامه به ویژه شافعی است، شیعیان را «روافض»(در فارسی یعنی رافضیان) خطاب کرده‌است(ن.ک به: قدسی، ۱۴۰۲). به نظر می‌رسد علمای اهل سنت و جماعت و نیز، غالب فرقه‌نگاران، واژه رافضی را نه تنها برای شیعیان تندرو و غالی بلکه برای تمام شیعیان فارغ از انشعاب‌های آنها(امامیه، زیدیه، کیسانیه و غلات) استعمال کرده‌اند(غفوری، ۱۳۹۱: ۱۱۵).

مطابق با توضیحات فوق، واژه‌های «شیعه» و «رافضی» از کلماتی هستند که در طول زمان قبض و بسط و تحول معنایی داشته‌اند. در این کتاب، کوشش درخوری برای ارائه تعاریف مختلف مفاهیم شیعه و رافضی نشده‌است. در مقدمه این کتاب تنها به این بسنده شده که واژه شیعه و رافضی به یک معنا فهم شده و آن هم، با عبارت سب صحابه پیوند خورده است: «فرقة الشيعة الرافضة (سبب الصحابة)»(العمران و الزهرانی، ۱۴۳۴ق: ۶). در قسمت توضیح روش کتاب، رافضه همان شیعه و البته، شیعه اثنی عشری در نظر گرفته شده‌است و تمام فرقه‌هایی که اصل آنها به رافضه برمی‌گردد مانند باطنیه، اسماعیلیه و قادیانیه، شیعه خوانده شده‌اند: «...فرقه‌هم اللتی تعود من الأصل إلى الرافضة؛ کالباطنیة و الإسماعیلیة و القادیانیة...»(العمران و الزهرانی، ۱۴۳۴ق: ۱۰).

به درستی مشخص نیست مؤلفان معجم با استناد به کدام منابع متقدم یا معاصر، این چنین تعریف بسیطی از شیعه را انتخاب کرده‌اند؟!

امری که مخاطب را بیشتر به شگفتی وامی‌دارد، انتساب فرقه قادیانی (یا احمدیه) به شیعه دوازده امامی است. در حالی که این فرقه در سده ۱۳ق/۱۹م ظهور یافته است. هر دو نام این فرقه منسوب به مؤسس آن، میرزا غلام احمد قادیانی است که در سال ۱۲۵۵ق/۱۸۳۹م در روستای قادیان از توابع ایالت پنجاب در هند متولد شد و در سال ۱۳۲۸ق/۱۹۱۰م در شهر لاهور پاکستان وفات یافت. میرزا غلام احمد در سن ۴۰ سالگی مدعی شد که مورد وحی و الهام الهی قرار گرفته است. ظاهراً وی بعدها حتی مدعی یک نبوت خاص نیز، برای خویش شد. پیروان قادیانیه از احکام خاصی پیروی می‌کنند (برای اطلاعات و نقد بیشتر ن.ک: آذری نژاد، ۱۳۸۳: صص ۱۴۸-۱۵۵؛ بهشتی، ۱۳۸۶: صص ۲۰۷-۲۱۳). در مقدمه کتاب معجم، نویسندگان بدون ذکر دلایل و شواهد، این فرقه را شیعه قلمداد نموده که به شدت از اعتبار این اثر می‌کاهد. در حالی که احمدیه مطرود دو مذهب شیعی و سنی واقع شده تا جایی که آنها را خارج از آیین اسلام قلمداد کرده‌اند (آذری نژاد، ۱۳۸۳: ص ۱۵۵). عربستان سعودی به پیروان این آیین، اجازه حج نمی‌دهد.

در مجموع، این ابهامات و وسعت نظر نویسندگان در تعریف مفهوم «شیعه اثنی عشری» سبب شده که انسجام علمی، منطقی و روش‌مند میان عنوان، اجزای پژوهش و محتوای اثر از میان برود. البته این تعریف ناقص و مبهم، یک فرصت مناسبی را برای مؤلفان فراهم آورده تا آنان به آسانی توانسته‌اند آثار زیدی، اسماعیلی و حتی قادیانی غیر شیعی را به عنوان شیعه اثنی عشری جلوه داده و این‌گونه، فهرست حجیمی را در این معجم عرضه کنند. از این‌رو، در حالی که مخاطب بر اساس عنوان، انتظار دارد در سرتاسر این کتاب، با ردیه‌های ضد «شیعه امامیه» مواجه شود، اما با فهرست نه چندان کمی از آثار غیر امامی روبه‌رو می‌شود.

۲/۲. مفهوم ردیه نویسی

«ردیه نویسی» یک مفهوم بسیار مهم دیگری است که اساساً فهرست‌نگاری این کتاب درباره آن انجام شده است. در عنوان این معجم، عبارات «مؤلفات فی الرد علی» به کار رفته که منظور همان عبارت سنتی «کتاب علی...» و «الرد علی» است؛ پس، ضروری است که به تعریف این اصطلاح نگاهی بیندازیم.

مفهوم ردیه‌نویسی، گونه‌ای نوشتار است که محتوای اصلی آن، اثبات بطلان عقیده خاصی است و به عنوان یک سنت رایج در تمدن اسلامی مورد استفاده بوده‌است. به‌طور خاص، ردیه‌ها در تاریخ اندیشه اسلامی به‌عنوان ابزارهایی برای مقابله با عقاید مخالف و اثبات صحت باورهای کلامی قلمداد شده‌اند. در این نوع نگارش، عنوان غالب ردیه‌ها معمولاً با ترکیب عربی "الرد علی..." یا عبارت فارسی "رد بر..." همراه است که به‌وضوح نشان‌دهنده رویکرد سلبی آن‌ها در ردّ نظرهای مخالف است. این مفهوم از لغت "ردّ" که به معنای بازگرداندن یا بازپس گرفتن است، نشأت گرفته و در ردیه‌نویسی به‌عنوان ابزاری برای بازگرداندن ادله یا مدعی مخالف به خود وی به‌کارگرفته می‌شود (انواری، ۱۳۹۳: ص ۱). کتابی همچون «کتاب الرد علی الرافضه و اهل المکر فی المنع من التکنی بابی بکر» نمونه‌ای از ردیه است که در صدر رد عقاید شیعه است؛ هرچند به ظاهر در عنوان کتاب از "الرد علی..." استفاده شده است اما به دلیل عدم ارائه ادله موثق و نبود دقت کافی در مطالب، ذیل تعریف کتاب ردیه نمی‌گنجد؛ در بخش دوم این مقاله نیز به تشریح بیشتر این کتاب پرداخته شده است.

ردیه‌نویسی در حقیقت به‌عنوان یکی از ارکان فن جدل و به‌ویژه در علم کلام توسعه یافته‌است. در این زمینه، همواره در کنار استدلال‌های ایجابی برای اثبات درستی عقاید ایمانی، از یک وجه سلبی نیز سخن گفته می‌شود که به معنای ردّ عقاید اهل بدعت و انحراف از سنت پیامبر (ص) است. این ویژگی ردیه‌شناسی باعث شده که این نوع نگارش در سطوح مختلف کلامی، به‌ویژه در مواجهه با مذاهب و فرق مختلف، مورد توجه قرار بگیرد. بر اساس این دیدگاه، ردّ عقاید و بدعت‌ها در ارتباط مستقیم با مرزبندی‌هایی است که برای تشخیص «فرقه ناجیه» از دیگر فرقه‌ها در آموزه‌های اسلامی مطرح شده‌است (همان، ص ۲).

در جریان رشد کلام اسلامی، ردیه‌ها به‌عنوان منابع مهمی برای شناخت جریان‌ها و تضادهای فکری و فرقه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند. این آثار به‌عنوان ابزاری برای تبیین و تحکیم مواضع اعتقادی عمل کرده و از این منظر، در توسعه روش‌های عقلانی در مباحث دینی نقش برجسته‌ای ایفا کرده‌اند. از این دیدگاه، برای ردّ آنچه به غلط به دین نسبت داده شده، مفهوم عام «بدعت» در برابر «سنت» به‌کارگرفته شد (همان، ص ۳).

متأسفانه مؤلفان معجم از تعریف و روشن‌ساختن زاویه دید خود نسبت به این واژه نیز، سرباز زده‌اند که نقطه ضعف دیگری برای این کتاب به حساب می‌آید (ال عمران و الزهرانی، ۱۴۳۴ق: ص ۱۰). بهتر بود مؤلفان در مقدمه، مراد خود را توضیح می‌دادند. چرا که بر اساس عنوان، دقیقاً منظور ردیه‌هایی است که ضد شیعه امامی نگاشته شده است. اما توضیحات نویسندگان معجم *المؤلفات* در قسمت روش مقدمه و نیز، فهرست آثار این معجم،

ناقض این عنوان است، چون دایره شمول آنها نه فقط ردیه‌ها بلکه کل آثار کلامی در جهان اسلام را شامل می‌شود. این امر، از همگونی میان عنوان و اجزای متن به شدت کاسته است (برای شواهد بیشتر ن.ک: ادامه مقاله در ذیل نقد روش مقدمه و نیز، بخش دوم، ارزیابی محتوای کتاب).

۳. عدم پابندی به عینیت و بی‌طرفی در معجم‌نگاری

یکی از ضرورت‌های یک تحقیق علمی، عینیت و بی‌طرفی است. عینیت یعنی کوششی برای رهایی از تعصبات علمی و عقیدتی است تا بتوان موضوع مورد مطالعه را آن‌گونه که هست، مشاهده کرد. تمام مراحل تحقیق از انتخاب موضوع گرفته تا فیش‌برداری داده‌ها و در نهایت، تبیین و نگارش، نباید مبتنی بر تعصبات، پیش‌داوری‌ها، قضاوت‌ها و نگرش‌های ذهنی پژوهشگر انجام شود. به بیان دیگر، یک موضوع خاص همچون معجم‌نگاری نباید به‌صورت جانبدارانه انتخاب و یا با جهت‌گیری‌های خاص که با نگرش علمی تعارض دارد، نگاهشده شود (برای اطلاعات بیشتر ن.ک: حافظ‌نیا، ۱۳۸۸؛ صص ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۲۴؛ ملائی توانی، ۱۳۸۶؛ ص ۶۴). توضیحات العمران و الزهرانی در مقدمه، ارتباط نویسندگان را از همان ابتدای کتاب با این ضرورت علمی نشان می‌دهد. توجه به این توضیحات خالی از فایده نیست:

العمران و الزهرانی با استناد به حدیث نبوی «أن الأمة ستفترق فرقا وأحزابا كثيرة»، بسیاری از فرق را ضالّه می‌پندارند. بنا بر زعم آنان، شیعه رافضی (که سب صحابه می‌کنند) «گمراه‌ترین» و «زنده‌ترین» فرقه در عالم اسلام بوده است. بنظر آنان، شیعه بزرگ‌ترین ضربه‌ها را به بدنه فکری و سیاسی اسلام در طول تاریخ اسلام وارد کرده؛ از جمله آن که سبب فتنه‌ها و جنگ‌ها و در نتیجه، ضعف دول اسلامی و تقویت دشمنان اسلام شده است. (العمران و الزهرانی، ۱۴۳۴: ۵-۸). این دو نویسنده معجم کوشش دارند میان متغیر مستقل فعالیت مذهب تشیع با متغیر وابسته ضعف جهان اسلام و قدرت‌یابی دشمنان آن، یک رابطه علی-معلولی عرضه کنند. نویسندگان تهیه معجم خویش را علم و روش نافع («علم النافع»... «المهممة الجلیلة و الخطّة النافعة») می‌دانند چرا که ادامه‌دهنده راه و تجمیع‌کننده کوشش علمایی هست که در ردّ شیعه اثنی عشری در طول تاریخ اسلام زحمات فراوانی متحمل شده‌اند (همان، ۷).

هنگامی یک اثر با این مقدمه آغاز شود و از همان ابتدا شیعه به مثابه "گمراه‌ترین فرقه" شناخته شود، چگونه انتظار هست که در گردآوری فهرست آثار ضدّ شیعی، با انصاف و عینیت رفتار کند؟! در حقیقت امر، آنان به جای

تعهد به روش علمی، به عقیده شخصی خویش پایبند بوده‌اند(برای نمونه‌های دیگر نقض عینیت در کتاب ن.ک: ادامه مقاله).

۴. تخطی یا پایبندی به مؤلفه‌های روش تحقیق؟

یکی از نکات مهم در مبانی یک پژوهش علمی، توجه به روش نویسنده است که برنامه‌ای منظم و تکنیک‌های جستجوی وی را برای پاسخ به مسئله تحقیق روشن می‌کند. این روش شامل مسائل مختلف همچون شیوه منبع‌شناسی، نحوه تنظیم طرح و نگارش کتاب، روش استنادی و توصیفی و یا تحلیلی و... می‌شود(فتوحی، ۱۳۹۳: ۱۳۹-۱۴۸). خوشبختانه بر خلاف مفاهیم، مؤلفان این معجم تیتیری را به نام روش («منهج») و ملاک‌های گزینش آثار معجم در قسمت «مقدمه» اختصاص داده‌اند. بنا بر توضیح مؤلفان، روش گزینش آنها شامل موارد زیر می‌شود:

- ۱- کتابی که ردّ بر شیعه باشد یا با آنها وارد مناقشه و مباحثه شده و به نقد آنان پرداخته باشد، هرچند، از خود شیعیان باشد؛ حتی کتبی که ردّیه بر برخی از فرق شیعه باشد، نیز، در شمارش این فهرست‌نویسی لحاظ خواهد شد چرا که اصل آن فرقه به رافضه(شیعه) باز می‌گردد. باطنیه، اسماعیلیه و قادیانیه از جمله این فرق هستند؛ هرچند، به طور کامل، کل ردّیه‌ها بر علیه این فرق را بررسی نکرده‌ایم؛ ۲- ذکر آثاری که در آنها، فصلی از کتاب یا مبحثی از رساله به نقد شیعه اختصاص داده شده است. اما در این شمارش، چنانچه در میانه یک کتاب، به مناسبتی، نقدی نسبت به شیعه صورت گرفته، شامل فهرست این معجم نمی‌شود چرا که حجم کتاب به شدت افزایش می‌یافت؛
- ۳- محدوده زمانی این پژوهش، از ابتدای تاریخ اسلامی تا پایان عصر جدید را در بر می‌گیرد؛ ۴- ذکر اسامی این کتب، هرگز به معنی تزکیه، مدح و تأیید محتوای این آثار یا پذیرش دیدگاه نویسندگان نیست بلکه معرفی صرف ردّیه‌هاست که بنا بر ضرورت، ما برخی توضیحات درباره کتاب یا نویسنده را در تیتیر «ملاحظات» ذکر خواهیم کرد(ال عمران و الزهرانی، ۱۴۳۴: ۱۰).

ایراد نحوه گزینش شماره ۱، پیش‌تر در تیتیر تعریف مفاهیم ذکر شد. اضافه کردن این نکته ضروری است که اگر موضوع شامل تمام فرق شیعه می‌شود، چرا کل ردّیه‌ها بررسی نشده و برپایه کدام معیار، برخی آثار از فهرست این معجم حذف شده‌اند؟! در ذیل شماره ۲، نویسندگان توضیح شفاف و کاملی از نحوه گزینش کتاب‌ها ارائه ندادند. توجه به نقل مستقیم ضرورت دارد: «۲. نذکر کلّ من تعرّض لهم بالنقد، و إن کان فصلاً فی کتاب أو مبحثاً فی رسالته، ولیس من شرطنا أن نذکر کلّ من تعرّض لهم فی أثناء کتاب، لأن هذا کثیر جداً.» در این جمله، ملاک آنها برای تعیین حجم صفحات «یک مبحثی از رساله» و یک نقد «در میانه یک کتاب» روشن نیست؟! مشخص نیست

چنانچه، در لابلای فصول مختلف یک کتاب، نویسنده نقدی بر شیعه وارد کرده باشد، در لیست این معجم قرار می‌گرفته یا الزاماً باید فصل مستقلی را به شیعه اختصاص داده باشد؟! این عدم شفافیت، به اینجا ختم نمی‌شود. نگاهی به فهرست آثار در همین چهار قرن عدم پابندی مؤلفان را به روش مقدمه نشان می‌دهد.

ازسوی دیگر، این گستره زمانی (شماره ۳)، هرچند در نگاه اول جامعیت اثر را تضمین می‌کند، اما در عمل به دلیل وسعت موضوع، از دقت نظر در بسیاری از متون، بازمانده و به‌جای تمرکز بر کیفیت، به انبوه‌سازی آثار منجر شده است. اگرچه تأکید بر موضع بی‌طرفی در ذکر آثار (شماره ۴)، در ظاهر بیانگر رعایت انصاف است، اما هدف نویسندگان چنانچه پیش‌تر ذکر آن رفت، دشمنی با تشیع و مطروندنشان دادن مذهب شیعه در طول تاریخ بوده و در عمل، گاه نقدهایی را بدون پشتوانه کافی و صرفاً بر اساس دیدگاه شخصی یا مذهبی خود ارائه کرده‌اند. این مسئله موجب کاهش اعتبار علمی اثر شده و آن را به ابزاری برای تبلیغ دیدگاه خاصی تبدیل کرده‌است. در مجموع، روش تحقیق این کتاب با وجود تلاش برای جامعیت، به علت عدم کاربست تکنیک‌های منطقی و ملاک قطعی و ابهام در گزینش منابع، وسعت بیش از حد زمانی و نبود عمق کافی در تحلیل، با کاستی‌های قابل توجهی روبرو است که آن را از دستیابی به استانداردهای یک اثر علمی بی‌طرف بازمی‌دارد.

۵. روش گردآوری و فهرست‌نویسی ردیه‌ها

بیان شیوه گردآوری داده‌ها و آثار و سپس، نحوه ارائه فهرست یکی از ضرورت‌های مبانی پژوهش است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۶۴). نویسندگان معجم این ضرورت علمی را رعایت کرده‌اند و احتمالاً به این علت بوده که این قسمت از مبانی تحقیق در تقابل با نگرش ضد شیعی آنان نبوده است. ابتداء العمران و الزهرانی توضیح مختصری از شیوه جستجوی کتابخانه‌ای و اینترنتی خود ارائه داده‌اند (العمران و الزهرانی، ۱۴۳۴ق: ص ۷). سپس، شیوه فهرست ردیه‌ها را این‌گونه شرح داده که به لحاظ زمانی، آثار را قرن به قرن چینش کرده‌اند. در مرحله بعد، در ذیل هر قرن، متون را بر حسب تقدم زمانی وفات مؤلفان تفکیک کرده اما ابتدا نام کتاب و سپس، مؤلف را قید کرده‌اند. چنانچه سال وفات مؤلف مجهول باشد ولی قرن وی مشخص بوده، اثر او را در آخر قرن مربوط ضبط کرده‌اند. اگر هم، سال وفات و هم، قرن مؤلف مجهول بوده، وی را در انتهای فهرست مؤلفان معاصر در بخش پایانی کتاب ثبت کرده‌اند. در انتهای معجم نیز، فهرست اعلامی از آثار،

نویسندگان و موضوعات آنها بر اساس حروف الفبا ارائه شده است تا دسترسی خوانندگان را آسان تر سازد (همان، ۹).

شیوه فهرست‌نویسی کتاب‌ها در این معجم بر حسب چهار فقره انجام شده که نویسندگان آن را توضیح داده‌اند:

نام کتاب، اسم مؤلف آن، اطلاعات اثر و ملاحظات کتاب. در قسمت مؤلف، اسم، نسب، مذهب، شهر و مکان زیست و تاریخ وفات را ذکر می‌کنیم. در ذیل کتاب، نام کامل اثر و در صورت وجود اسامی مشابه برای این کتاب، در پاورقی، آن اسامی قید خواهد شد. در قسمت معلومات متن، توضیح مربوط به وضعیت نسخه خطی یا نشر اثر، تعداد چاپ و حجم آن را در صورت دسترسی به کتاب ارائه کرده‌ایم. در بخش ملاحظات کتاب، منبعی که اطلاعات اثر از آن اخذ شده، بیان می‌شود. همچنین، در صورت دسترسی، اطلاعاتی از علت نگارش، شیوه نقد شیعه و یا مذهب مؤلفی که سنی نبوده در این بخش ذکر خواهد شد (همان، ۱۰، ۹).

در مجموع، از آنجا که مسئله نگارندگان مقاله حاضر، ارزیابی معجم المؤلفات بوده، لازم است مزایا و نقاط قوت آن را نیز، ذکر کنند تا خود، ناقص بی‌طرفی علمی نشوند. بر این اساس، توضیحات العمران و الزهرانی در این بخش از مقدمه، از حسن‌های التزام به روش علمی در این معجم محسوب می‌شود. اما باید افزود که در روش گردآوری داده‌ها، رعایت "اصل دقت" و "اصل صحت" ضرورت حیاتی دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۶۵، ۱۶۴). متأسفانه نویسندگان معجم در ساحت عمل (در مقدمه و متن کتاب)، از رعایت این دو اصل بازمانده‌اند. در بسیاری از موارد، معیارهای علمی مانند دقت در شناسایی نویسندگان، صحت انتساب آثار و تحلیل محتوایی نقض شده که موجب تضعیف اعتبار علمی کتاب می‌شود. به‌عنوان نمونه، برخی از آثار به‌اشتباه به نویسندگان شیعه نسبت داده شده‌اند یا کتاب‌هایی به‌عنوان ردیه بر شیعه معرفی شده که تنها بخش کوچکی از آنها به این موضوع اختصاص داشته‌است. به‌عنوان نمونه، دومین ردیه معرفی شده در کتاب که منسوب به امام صادق (ع) است، نام دیگر همان نخستین ردیه (منسوب به امام (ع)) در قرن دوم هجری است. لازم بود نویسندگان مطابق با شیوه مذکور خود در مقدمه، ردیه دوم را حذف کرده و در پاورقی نخستین ردیه، از آن سخن می‌گفتند (برای شواهد بیشتر ن.ک: بخش دوم مقاله).

۶. فایده پژوهش و ضرورت انجام تحقیق

دو اصل دیگری که در مبانی یک تحقیق علمی به آن اشاره می‌شود، ضرورت و فایده علمی پژوهش است (ملائی توانی، ۱۳۸۶: ص ۹۱-۹۳؛ حضرتی، ۱۳۹۰: صص ۱۴۱-۱۴۲). العمران و الزهرانی به این دو اصل در «مقدمه» معجم‌نگاری توجه کرده که فارغ از محتوای آن، از محسنات و نقاط قوت روشی این اثر محسوب می‌شود. فواید و ضرورت این معجم بر اساس دیدگاه مؤلفان در شش محور بیان شده‌است: بیان کوشش علمای اسلام (فارغ از اختلافات مذهبی آنان) در ردّ این فرقه؛ گردآوری و معرفی تألیفاتی که سبب آشنایی مخاطبان با مهم‌ترین مسائلی شود که تا کنون بطلان شیعه را بیان کرده‌اند؛ آگاهی به پراکنش مکانی کتب ردّیه که هم، نحوه پراکندگی جغرافیایی گسترش تشیع و هم، میزان کوشش علمای هر منطقه را در مقابل این فرقه نشان می‌دهد. این امر کمک می‌کند سرزمین‌هایی که بیشترین ضدیت و فعالیت فرهنگی علیه شیعه را در طول تاریخ داشته‌اند، کشف و شناسایی شوند؛ فایده دیگر آن که مخاطبان از مسائلی که به میزان کافی در طول تاریخ، به شبهات شیعه پاسخ داده‌شده، آگاه می‌شوند تا از تکرار تصنیفات مشابه اجتناب کنند. در عوض، درباره مسائلی تحقیق کنند که کماکان بی‌پاسخ مانده‌است؛ ذکر قرن به قرن این تألیفات می‌تواند پراکنش زمانی فعالیت شیعه و مخالفانش را در هر قرن در جهان اسلام روشن سازد و فایده و ضرورت نهایی این است که معرفت مخاطبان را نسبت به وضعیت نشر ردّیه‌ها افزایش می‌دهد تا در صورت علاقه، برای احیاء و طبع نسخ خطی، اقدام لازم را انجام دهند (همان، صص ۸، ۹).

فارغ از منظر روش تحقیق، بیشتر فواید مذکور مانند آگاهی از پراکنش مکانی و زمانی تصانیف ردّیه و آشنایی با وضعیت نشر و نسخ خطی ردّیه‌ها برای جامعه علمی اهمیت و ضرورت دارد اما با بررسی دقیق‌تر، می‌توان کاستی‌ها و ابهامات جدی را در این ادعاها یافت. این‌ها سخنان حقی هستند که از آن استفاده باطل شده چرا که در جهت دشمنی با شیعه مطرح شده‌است. این هدف سوگیرانه زمانی روشن‌تر می‌شود که به یاد آوریم نویسندگان تمام هم خود را در تعریف ابهام‌آمیز مفاهیم، دوری از عینیت و عدم پایبندی به مؤلفه‌های روش تحقیق به کار بستند تا حجم ردّیه‌ها را افزایش دهند. همچنین، برشماری مسائل فوق‌الذکر، اگرچه در نگاه اول ارزشمند به نظر می‌رسد، اما این مسأله که این موارد چگونه انتخاب شده و معیارهای دسته‌بندی آنها چیست، در مقدمه توضیح داده نشده است. همچنین، ادعای اینکه این اثر می‌تواند موضوعات اشباع‌شده را تعیین کند، نیازمند تحلیل دقیق‌تر و همراهی با پژوهش‌های مستقل دیگری است، چراکه صرفاً گردآوری اسامی ردّیه‌ها نمی‌تواند معیاری برای اشباع یا کمبود مباحث ارائه دهد. در نهایت، اشاره به کتاب‌های خطی و نیاز به احیای آنها، در صورتی ارزشمند است که شناسایی این آثار با دقت و بر اساس منابع معتبر صورت گرفته باشد، در حالی که این موضوع نیز، در معجم فاقد بررسی عمیق است. به طور کلی، هرچند مؤلفان تلاش کرده‌اند اهمیت پژوهش خود را نشان دهند، عدم شفافیت در

روش‌شناسی و استنادهای کافی، فواید بیان‌شده را از سطح یک ادعای کلی فراتر نمی‌برد و نیازمند بازنگری جدی است.

بخش دوم: ارزیابی آثار معرفی‌شده در «متن» کتاب معجم المؤلفات

تا کنون، مبانی پژوهش کتاب در بخش «مقدمه» ارزیابی شد، در این قسمت، میزان تعهد علمی و روشی نویسندگان معجم در خود «متن» در مواجهه با ثبت کتب به عنوان ردیه نقد می‌شود. مطالعات اخیر نشان می‌دهد در تاریخ‌نگاری اسلامی در عصر کلاسیک، مسلمانان به فهرست‌نویسی و معجم‌نگاری بیشتر از تواریخ عمومی و سلسله‌ای، اشتیاق نشان دادند. در واقع، تولید سیاهه‌های هر چه بیشتر از فهرست‌ها و انتشار معجم‌های حجیم، به نشانه اعتبار مورخ و تجسم بیشتری از دانش او تصور می‌شد. در این سنت، برای بازنگری دقیق و منتقدانه آثار معجم‌های پیشین دغدغه و ضرورتی وجود نداشت و بیشتر، ضمن رونویسی از آثار پیشینیان، داده‌های معاصر مورخ در همان موضوع معجم نیز، افزوده می‌شد. از سویی دیگر، رقابت‌های مذهبی که روندی فزاینده داشت، بر نحوه فهرست‌نویسی اثر می‌گذاشت (برای جزئیات ن.ک: رابینسون، ۱۳۹۸: صص ۱۳۶-۱۴۷).

اما در روش‌های علمی مدرن، «نظریه تقدم پاک‌سازی بر تهیه معجم» پدید آمده‌است. مطابق با این دیدگاه، برای تهیه معجم، ابتدا لازم است اعتبار آثار را اثبات کرد و سپس، به تهیه فهرست و کلیدها به منظور راهیابی دست زد. تطبیق دقیق داده‌ها از زوایای مختلف با هدف زدودن زواید، از وظایف اصلی معجم‌نگار است (رحماندوست، ۱۳۹۰: ۱۹۱، ۱۹۰). اما متأسفانه شیوه علمی جدید در این اثر لحاظ نشده است که برای یک کتاب در سده بیست و یک میلادی ضعف جدی به حساب می‌آید. نمونه‌ای از عدم تعهد علمی در این کتاب که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

۱. انتخاب موضوعات غیر متجانس با مسئله پژوهش در فهرست‌نویسی

در مجموع، ۴۴ اثر ردیه در چهار قرن نخستین اسلامی در این معجم معرفی شده‌است. به سبب ابهام در تعریف مفاهیم و نقض عینیت، موضوعات متنوعی در این فهرست دیده می‌شود (ن.ک: جدول شماره ۱). چنانچه با تساهل نگریسته و ردیه‌ها را شامل موارد گسترده زیر در نظر بگیریم که هر کتابی که حاوی عبارت «الرد علی...» و مرتبط با شیعه باشد؛ آثاری که عنوان «الإمامة» داشته و یا مربوط به اثبات برتری و حقانیت یکی از خلفای راشدین و معاویه باشند؛ تعداد ردیه‌ها در این بازه زمانی، ۳۳ مورد خواهند شد.

۱۱ داده باقی مانده مربوط به مضامین فرقه‌نگاری، فضائل‌نگاری، السنه و شعر است که به سختی در دایره ردیه جای می‌گیرند چرا که تنها به شیعه اختصاص نداشته و به نوعی آثار کلامی-تاریخی محسوب می‌شوند. مراجعه به کتب السنه معرفی شده در این معجم مانند السنه احمد بن حنبل نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از احادیث متنوع است که ممکن است احادیثی در فضیلت صحابه و شیخین هم داشته باشد و نمی‌تواند به تنهایی رد بر تشیع محسوب شود. کتاب‌های فضائل صحابه هم، گرچه نشانه عقیده کلامی اهل سنت است اما نمی‌تواند بدون قرینه واضح در کتاب، اثری علیه شیعه قلمداد شود. چند بیت مربوط به تشیع در دیوان یک شاعر با هیچ معیاری یک ردیه محسوب نمی‌شود و این نقض آشکار روش تحقیق و بی‌طرفی نویسندگان معجم است. جالب آن که در بخش "ملاحظات"، مشخص نشده که کدام فصل‌های هر کتاب در ذیل مضامین فوق‌الذکر، ضد شیعی است!

از سویی دیگر، با وجود جستجوی فراوان نگارنده مقاله، درباره ۶ اثر ردپایی در تراجم، منابع و پژوهش‌های معاصر دیگر پیدا نشد که بتوان موضوع آن را سنجید. علاوه بر این، ۸ داده هم فاقد اعتبار بودند (ن.ک: قسمت بعدی مقدمه). با این توضیحات، از ۴۴ اثر، تقریباً (آن هم با تساهل دیدگاه) ۲۱ مورد ردیه باقی می‌ماند که کمتر از ۵۰٪ است. اگر با دیدی سختگیرانه‌تر، آثار کلامی نظیر الامامه و اثبات برتری خلفا (غیر امام علی (ع)) را ردیه صرف در نظر بگیریم، این درصد بسیار کمتر خواهد شد. این آمار به تنهایی، میزان دقت، بی‌طرفی و اعتبار این معجم ضد شیعی را به نمایش می‌گذارد!

جدول شماره ۱: فراوانی موضوعی آثار چهار قرن نخستین هجری در کتاب معجم المصنفات و الردود				
ردیف	موضوع کتاب	فراوانی	متون فاقد اعتبار یا عدم دسترسی نگارنده به اطلاعات اثر در هر موضوع	توضیحات و تعاریف
۱	ردیه	۲۲	۸ مورد فاقد اعتبار ۵ مورد عدم دسترسی	آثار حاوی عبارت «الردّ علی...» آثار با موضوع «امامت» کتاب مربوط به اثبات برتری و حقانیت یکی از خلفای راشدین و معاویه
۲	فرقه تگاری	۴		در مورد کل فرق از جمله شیعه
۳	السنّة	۴	۱ مورد عدم دسترسی	حدیث در موضوعات مختلف
۴	فضائل تگاری	۲		فضایل صحابه یا یکی از خلفا
۵	شعر	۱		موضوعات شعری متفاوت از جمله توجه اتدک به عقاید شیعه

۲. خطا و غفلت در ضبط دقیق نام مؤلفین و آثار و انتساب نادرست ردیه به آثار غیر مرتبط

ضعف دیگر این فهرست مربوط به لغزش و غفلتی است که دو نویسنده معجم در خصوص ثبت اسامی مؤلفان و کتب و نیز، فهرست‌نویسی آثاری انجام داده‌اند که قطعاً ضد شیعه امامیه محسوب نمی‌شوند. جالب آن که پنج خطا مربوط به آثار یک امام و عالمان شیعی است که نگرش ضد شیعی کتاب را بیشتر تأیید می‌کند. در ادامه، این لغزش‌ها به تفکیک بیان خواهد شد.

۱- دو کتاب ردیه منسوب به امام صادق علیه السلام

کتاب معجم المؤلفات فی الرد علی الشیعة الاثنی عشریة با معرفی دو اثر ردیه بر شیعه که به امام صادق علیه‌السلام (م. ۱۴۸) منسوب شده‌اند، آغاز می‌شود (العمران و الزهرانی، ۱۴۳۴ق: ص ۱۵). در واقع، این دو کتاب همان‌طور که در ذیل توضیحات اثر دوم آمده، یک کتاب هستند که در دو نسخه، با دو نام متفاوت ضبط شده‌است. یک نسخه خطی با نام هذه مناظره جعفر بن محمد الصادق مع رافضی در خزانه علی باشا در استانبول نگهداری می‌شود. نسخه دیگر با عنوان ذکر مناظره الصادق ابی عبدالله

جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب لبعض الشیعه فی تفضیل بین ابی بکر و علی(ع) در کتابخانه ظاهریه دمشق وجود دارد(الشبل، ۱۴۱۷). سزگین(۱۴۱۲: ۴۷۴) از این کتاب با عنوان الرد علی الروافض یاد کرده است. مشخص نیست چرا نویسندگان اثر دوم را به عنوان یک ردیه مستقل شماره-گذاری و معرفی کرده‌اند؟! شروع ردیه‌های ضد شیعی با ذکر دو اثر منسوب به امام صادق(ع)، عامدانه و به قصد تخریب این فرقه انجام شده‌است؛ امری که از بی‌طرفی این اثر به شدت می‌کاهد.

این رساله منسوب از طریق سماعاتی ثبت شده که قدمت آن به قرن ۷هـ بازمی‌گردد که متأخر و در نتیجه، قابل تردید است(حیدری، ۱۴۳۰). همچنین، سیدمحسن امین نیز، که ۲۴ کتاب و رساله را به امام صادق(ع) منسوب دانسته، دلیل موثقی بر تألیف این رساله توسط امام پیدا نکرده و انتساب آن را فاقد اعتبار می‌داند(ضیایی، ۱۳۷۱: ۱۵۲).

از سویی دیگر، یکی از ایرادات به شیعه، همواره این بوده که امام صادق(ع) برخلاف بنیان-گذاران مکاتب فقهی همچون مالک بن انس و ابوحنیفه، هیچ اثر فقهی را خودشان ننوشتند و فقه شیعه، بعدها به دروغ به ایشان نسبت داده شده است. در حالی که مطالعات اخیر در باب فقه سده دوم نشان می‌دهد که بر اساس سنت آموزش در آن قرن، هیچکدام از بنیان‌گذاران مکاتب فقهی مالکی و حنفی و نیز، امامی خود، رساله فقهی تدوین نکردند. بلکه بعدها، شاگردان تعلیم و احادیث آنان را مکتوب کرده و به پیشوای خویش منسوب می‌کردند(برای این دیدگاه ن.ک: انصاری، ۲۰۲۴/م ۱۴۰۳ش) جالب است که مؤلفان معجم این ایراد و بافتار تاریخی را نادیده گرفته و انتساب یک متن کلامی را به امام(ع) صحیح دانسته‌اند! متأسفانه نویسندگان بدون به‌روزرسانی اطلاعات خود، دو داده ضعیف را به عنوان نخستین آثار معجم ضبط کرده‌اند.

۲- کتاب الدلیل الکبیر فی الرد علی الزنادقه و الملحدین و یلیه ، الرد علی الملحد و مناظرته

کتاب الدلیل الکبیر فی الرد علی الزنادقه و الملحدین نوشته قاسم بن ابراهیم رسی(م. ۲۴۶هـ) در معجم‌المولفات فی الرد علی الشیعه الاثنی عشریه به عنوان اثری ضد شیعه ثبت شده‌است(ال عمران و الزهرانی، ۱۴۳۴ق: ۱۸). این اثر که جایگاهی مهم در کلام اسلامی دارد. قاسم رسی در این کتاب دیدگاه‌های زنادقه، ملحدین و مرجئه را نقد کرده اما به مسائل اختلافی اهل سنت و شیعه با اعتقادات شیعه اثناعشری اشاره مستقیمی ندارد. تنها در فصل "رسالة جواب فی امامة الإمام علی علیه السلام" به بیان فضائل امام علی(ع) را پرداخته و بر

برتری علمی، جهادی و دینی ایشات تاکید کرده است (قاسم رسی، ۱۴۲۰: ۸۱). بی‌آنکه نقدی بر باورهای امامتی شیعه وارد سازد. از این رو، تحلیل محتوایی کتاب نشان می‌دهد که انتساب آن به جریان رديه‌نویسی علیه شیعه اثنا عشری فاقد پشتوانه متقن است.

۳- رساله النهی عن سب الصحابه

العمران و الزهرانی (۱۴۳۴ق: ص ۲۰) این رساله را به محمد بن سحنون (م. ۲۵۶هـ) منسوب دانسته و ذیل توضیحات، به ذکر این نکته بسنده کرده‌اند که این کتاب مفقود است. جستجوی نگارنده مقاله در کتب تراجم متقدم و متأخر حکایت از این دارد که اثری با این عنوان و مشخصات در فهرست تصانیف متعدد ابن سحنون نیامده است (ابن سحنون ص ۲۰؛ ذهبی، ج ۱۳، ص ۶۰؛ پاشا بغدادی، اسماعیل، ج ۲، ص ۱۷؛ سزگین، ج ۳، ص ۱۵۶).

۴- کتاب الرد علی الرافضه و اهل المکر فی المنع من التکنی بابی بکر :

بنا بر نقل مؤلفان معجم المؤلفات، این کتاب به قلم ابوالحسین یحیی بن الحسن بن جعفر بن عبیدالله الاعرج العلوی العبیدی العقیقی (م. ۲۷۷هـ) در ردّ شیعه اثنی عشریه نگاشته شده است. آنان نقل خود را به طبقات النسائین، ج ۱۲ مستند کرده‌اند (العمران و الزهرانی، ۱۴۳۴ق: ص ۲۱). منابع ارجاعی طبقات النسائین عبارت است از تاریخ التراث العربی، ذیل شماره ۱۳- العقیقی (سزگین، ۱۴۱۲: ص ۶۱)، رجال نجاشی (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۴۴۱)، معجم المؤلفین (کحاله، ۱۳۷۶ق: ج ۱۳، ص ۱۹۰) و کتاب الاعلام زرکلی (۱۹۸۹: ج ۸، ص ۱۴۰). نگارنده مقاله کل منابع ارجاعی طبقات النسائین را بازبینی کرد و متأسفانه ردپایی از اثر الرد علی الرافضه و اهل المکر... در فهرست آثار اعرج العقیقی نیافت. این امر نشان می‌دهد که مؤلفان معجم از دقت کافی در این تحقیق علمی فاصله گرفته‌اند (برای لزوم دقت علمی ن.ک: حافظ‌نیا، ۱۳۸۸: صص ۲۲-۲۵).

۵- الرد علی الرافضه به قلم علی بن الحسین قمی

در این معجم، کتابی با عنوان الرد علی الرافضه به یک عالم شیعی به نام علی بن الحسین قمی (م. ۳۲۹هـ) نسبت داده شده که منبع خویش را کتاب کشف الحجب و الاستار، شماره

۲۴۸۰ ذکر کرده است (ال عمران و الزهرانی، ۱۴۳۴ق: ص ۲۴). اما بررسی دقیق تر نگارنده مقاله نشان می دهد که این انتساب از اعتبار کافی برخوردار نیست. اعجاز حسین کنتوری (۱۴۰۹: ج ۱، ص ۴۴۲) در *کشف الحجب والاستار* نام نویسنده را ابی عبدالله الحسین بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی ثبت کرده است. این اختلاف نام بی دقتی نویسندگان معجم را به نمایش می گذارد. همچنین، نویسندگان، توضیحات اعجاز حسین را در مقدمه اثر نادیده گرفته اند که وی تأکید کرده که در کتابش، در بیشتر موارد فقط به ذکر علمای امامیه و آثارشان بسنده کرده است. وی نتوانسته به بسیاری از متون دسترسی مستقیم داشته باشد (همان، ج ۱، ص ۸). از سویی دیگر، جستجو در منابع رجالی نشان می دهد که کتابی با عنوان *الرد علی الرافضه* در فهرست آثار حسین بن علی بن الحسین قمی ثبت نشده است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۶۸).

کتاب الرد علی الرافضه نگاشته حسین بن علی بن سفیان البزوفری

در معجم المؤلفات فی الرد علی الشیعه الاثنی عشریه، حسین بن علی بن سفیان البزوفری (م. ۳۵۲هـ) به عنوان نویسنده کتابی ضد شیعه معرفی شده و به کتاب *کشف الحجب والاستار*، شماره ۲۴۷۹ ارجاع داده شده است (ال عمران و الزهرانی، ۱۴۳۴ق: ص ۲۵). اگر چه ضبط نام مولف و کتاب در *کشف الحجب* اعجاز حسین کنتوری (۱۴۰۹: ج ۱، ص ۴۴۲) با معجم مطابقت دارد، اما کنتوری در مقدمه تصریح کرده است که بیشتر به گردآوری نام های علمای امامی مذهب و آثار آنان پرداخته و بررسی صحت انتساب ها را به ندرت انجام داده است (همان، ج ۱، ص ۸). به نقل از نجاشی (ص ۶۸) و آقابزرگ تهرانی (۱۴۰۳: ج ۱۰، ص ۲۳۵) نام صحیح اثر البزوفری الرد علی الواقعه است که در رد گروه واقفیه، به شیعه امامیه، نگاشته شده است.

۷ - کتاب رساله إلی الشیعه فی مدینه نیسابور:

این کتاب از آثار ابوبکر محمد بن العباس الخوارزمی ابن الطبری المورخ (م. ۳۸۳هـ) است (ال عمران و الزهرانی، ۱۴۳۴ق: ص ۲۷). مطابق با تحقیق نگارنده مقاله، این متن به عنوان رساله ۹۶ جزوی از *دیوان رسائل خوارزمی* شناخته می شود که در ایران نیز توسط صادق آئینهوند تحت عنوان *من ادب التشیع بالخوارزم* در (۱۳۶۵ش) و ترجمه فارسی *ادبیات انقلاب در شیعه* در (۱۳۶۲ش) منتشر شده

است. این رساله متضمن نامه ای به شاگردان خوارزمی در نیشابور است که به مجالس درس او اشاره دارند. در معجم بدون توضیح، این رساله به عنوان ردیه‌ای ضد شیعیان معرفی شده. حال آنکه منابع متعدد، با وجود اختلاف درباره زیدی یا امامی بودن خوارزمی، اصل تشیع او را پذیرفته‌اند (ن.ک: حموی، ۱۳۸۰: ج ۱/ ۶۲؛ صادقی، دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۱۹۹۵). محتوای رساله، که به مصائب وارده بر خاندان پیامبر (ص) و شیعیان می‌پردازد، با این ادعا تناقض آشکار دارد. نبود توضیحات در معجم درباره این تعارض، جای تامل دارد.

نتیجه‌گیری:

فرآیند تحقیق نشان داد که کتاب *معجم المؤلفات فی الرد علی الشیعه الاثنی عشریه* در بسیاری از موارد از معیارهای علمی معجم‌نگاری در عصر حاضر فاصله داشته و مؤلفان آن، پیرو روش کلاسیک در معجم‌نویسی، در جهت انبوه‌سازی معجم و پایبندی به عقیده شخصی در عوض تعهد علمی گام برداشته‌اند.

مهم‌ترین کاستی‌های ساختاری و روش‌شناختی در این معجم، نقض عینیت و ضعف در تعریف و تبیین مفاهیم کلیدی مانند "شیعه اثنی عشری" و "ردیه‌نگاری" و نیز، تخطی از مؤلفه‌های روش تحقیق است که سبب شده انسجام میان عنوان، مسئله و محتوای کتاب از میان برود. از آنجا که نخستین گام‌ها در مبانی پژوهش خطا بوده، داده‌ها و شواهد نیز، لغزش‌های جدی داشته و در نتیجه، فواید مطرح‌شده اعتبار کافی ندارد و از سطح یک ادعا فراتر نرفته است. العمران و الزهرانی در عوض رعایت بی‌طرفی علمی، با هدف ایجاد انگاره "ما بر مدار حق و شیعه بر ناحق"، بدون بررسی دقیق محتوا و صحت استنادها، هم، موضوعات غیر متجانس با شیعه امامیه را در فهرست معجم گنجانده و هم، در ثبت توضیحات آثار و یا نام دقیق برخی از کتب و نویسندگان غفلت کرده و حتی گاهی، متون غیر مرتبط را به عنوان ردیه ضد شیعی معرفی کرده‌اند. بر این اساس، کمتر از نیمی از آثار معرفی‌شده از اعتبار کافی برخوردار نیستند. این امر اعتبار علمی کتاب را به طرز قابل توجهی کاهش داده‌است. با توجه به یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود تحقیقات آینده به تحلیل دقیق‌تر کتب ردیه‌نگاری با تمرکز بر روش‌شناسی و تحلیل محتوای آثار مرتبط بپردازند. همچنین، اصلاح و تکمیل این معجم با رعایت اصول علمی، گامی مهم در ارتقای سطح پژوهش‌های مرتبط با ردیه‌نگاری خواهد بود.

کتاب شناسی:

- آذری نژاد، اسماعیل. (۱۳۸۳ش). فرقه احمدیه. مجله کلام اسلامی. شماره ۵۰. ص ۱۴۸-۱۵۵.
- انوری، محمد جواد. (۱۳۹۹ش). (غلام علی حداد عادل، مؤلف). مدخل ردیه /ردیه نویسی. دانشنامه جهان اسلام. جلد ۱۹. بنیاد دایره المعارف اسلامی
- ابوزید، بکر. (۱۴۰۷ق). طبقات النسائین. ریاض: دارالرشد.
- آقا بزرگ تهرانی، محمد حسن. (۱۴۰۳ق). (احمد حسینی اشکوری، گردآورنده). الذریعه إلى تصانیف الشیعه. بیروت: دارالأضواء.
- الذهبی، شمس الدین. (۱۴۰۵ق). (مجموعه من المحققین یاشراف الشیخ شعیب الأرنؤوط، محقق). سیر أعلام النبلاء، مؤسسه الرساله.
- امین، شریف یحیی. (۱۳۷۸ش). (محمدرضا موحدی، ترجمه). فرهنگنامه فرقه های اسلامی: فرهنگ الفبایی بیش از ۴۸۰ فرقه مسلمان انتشارات باز.
- انصاری، حسن. (۱۴۰۳ش). (انجمن مسلمانان شیعه ام آی تی مؤسسه فناوری ماساچوست امریکا)، برگزار کننده). مجموعه درس گفتارهای میراث حدیث شیعه: عصر امامان باقر و صادق (ع). (۱۲ جلسه). قابل دسترسی در کانال تلگرامی t.me/zekrMIT (ZEKR: MIT Shia Muslim Association) آخرین به روز رسانی، اسفند ۱۴۰۳.
- باشا البغدادی، اسماعیل. (۱۹۵۵م). هدیه العارفین. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- بهشتی، مجاهد علی، (۱۳۸۶ش). ادعاهای قادیانی. فصلنامه مشرق موعود. شماره ۲.
- جعفریان، رسول. (۱۴۰۳ق). شناختنامه منابع کهن فرقه های اسلامی. قم: کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران.
- حیدری، عبدالله. (۱۴۳۰ق). (عبدالله حیدری، ترجمه؛ دکتر علی شبل، تحقیق). مناظره امام جعفر صادق (ع) با یک رافضی. www.ageedeh.com
- حافظنیا، محمدرضا. (۱۳۸۸ش). مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سمت، چاپ شانزدهم، چاپ اول ۱۳۷۷.

- حضرتی، حسن. (۱۳۹۰ش). روش پژوهش در تاریخ شناسی. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- رسی، قاسم بن ابراهیم. (۱۴۲۰ق). الدلیل الکبیر فی الرد علی الزنادقه و الملحدین و یلیه الرد علی الملحد و مناظرته. قاهره: دارالآفاق العربیه.
- رابینسون، جیس اف. (۱۳۹۸ش). (محسن الویری. ترجمه) تاریخ نگاری اسلامی. تهران: سمت چاپ سوم، چاپ اول ۱۳۹۲.
- رحماندوست، مجتبی. (۱۳۹۰ش). نهضت معجم نویسی. مجله ادب عربی، سال سوم، شماره ۳، ص ۱۸۱ - ۲۰۰.
- زرکلی، خیر الدین. (۱۹۸۹ م). الاعلام. بیروت: دارالعلم الملايين.
- سجادی، سیدصادق. عالم زاده، هادی. (۱۳۸۲ش). تاریخ نگاری در اسلام. تهران: سمت، ۱۳۸۲، چاپ پنجم، چاپ نخست ۱۳۷۵.
- سزگین، فؤاد. (۱۴۱۲ق). (حجازی: مترجم). تاریخ التراث العربی. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شیخ مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). اوائل المقالات. قم: المؤتمر العالمي لألفیه الشیخ مفید.
- صادقی، مریم. (۱۳۷۳ش). مدخل ابوبکر خوارزمی. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- علی عبدالعزیز، الشبل. (۱۴۱۷ق). مناظره جعفر الصادق ع مع الرافضی بین أبی بکر و علی (ع). ریاض: دارالوط.
- غفوری، محمد. (۱۳۹۱ش). مفهوم شناسی شیعه در منابع اهل سنت. مجله پژوهشنامه تاریخ اسلام، ۲(۶). ص ۱۰۹-۱۲۵.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۳ش). آیین نگارش مقاله پژوهشی ویراست سوم. تهران: سخن، چاپ سوم، چاپ اول ۱۳۹۰.
- فرمانیان، مهدی. (۱۳۸۷ش). آشنایی با فرق تشیع. مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- قدسی، محمد. (۱۴۰۲ش). «عوامل مؤثر بر نحوه توصیف عبدالقاهر بغدادی (م. ۴۲۹) از شیعیان در کتاب الفرق بین الفرق». پایان نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی لیلا نجفیان رضوی. گروه تاریخ تشیع. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- کحاله، عمر رضا. (۱۳۷۶ق). معجم المؤلفین. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- کنتوری، اعجاز حسین بن محمد قلی. (۱۴۰۹ق). کشف الحجب والأستار عن أسماء الكتب و الأسفار. قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.
- ملائی توانی، علیرضا. (۱۳۸۶ش). درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ. تهران: نی.
- محمد العمران، علی بن احمد الزهرانی، خالد بن. (۱۴۳۴ق). معجم المؤلفات فی الرد علی الشیعه الاثنی عشریه. ریاض: دارالوعی.

محمد بن عبدالسلام بن سعید التنوخی القیروانی المالکی، ابو عبدالله. (۱۴۳۲ق). (مصطفی محمود الازهری، تحقیق). فتاوی ابن سحنون الامام الکبیر و العالم التحریر مفتی القیروان. مملکه العربیه السعودیه: دار ابن القیم.

مصطفوی سبزواری، سیدرضا. (۱۳۸۴ش). فهرست نویسی در دوران اسلامی. پژوهشنامه ادب حماسی. شماره ۱. ص ۱۳۷ تا ۱۵۲.

ملائتی توانی، علیرضا. (۱۳۸۸ش). درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ. تهران: نی، ۱۳۸۸، چاپ سوم.

نجاشی، ابی العباس احمد بن علی. (۱۳۶۵ش). (سید موسی شبیری الزنجانی، محقق). رجال نجاشی قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

ولوی، علی محمد. دشتی، محمد. (۱۳۹۰ش). نقش علویان در گسترش تشیع در نیشابور. فصلنامه شیعه شناسی. ۹(۳۵)، ص ۱۴۴-۱۱۳.